

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه همزه (جله دوم)

نختم مفهومی استادانخت ۹۵/۴/۲۶

ان شاء الله که امروزمان به شب قدر متصل شود و برای شب قدر بعدی آماده شویم **صلوات**

ان شاء الله که همه سختی‌ها و مشقت‌هایی که می‌کشیم به سوره توحید برسد **صلوات**

سوره همزه را از سه رویکرد بررسی کردیم.

رویکرد اول بحث جریان‌های اجتماعی بود که مهم‌ترین رویکرد سوره است. هر که بخواهد کار پژوهشی کند یا

سوره همزه را برای کسی بگوید باید جریان اجتماعی سوره را توضیح دهد.

رویکرد دوم شاکله افراد و رویکرد سوم بحث اخلاق فردی و اجتماعی می‌باشد.

ابتدا سیر سوره را بررسی می‌کنیم. قسمت دوم علت‌شناسی همز و لمز است. تمایل به جاودانگی اصلی‌ترین علت

همز و لمز است. قسمت سوم واژگان سوره و ارتباط واژه‌ها با هم است.

بحث فرعی: مرز بین اصلاح و تعیب (همز و لمز) چیست. چون ممکن است یک عیب باشد و فرد نیت اصلاح آن

را داشته باشد.

سیر سوره: در سوره ویل و هشدار شدید داریم، معرفی همز و لمز کننده و علت همز و لمز. بواسطه آیه ۳ آیه ۲

اتفاق می‌افتد و بواسطه آیه ۲ آیه ۱ اتفاق می‌افتد. از آیه ۴ تا آخر بررسی پیامدها و تبعات است.

«کلا» یعنی چون توجهی به این موضوع ندارد و آگاهی به پیامدهای آن ندارد دچار ویل می‌شود و اگر آگاهی

داشت چنین نمی‌شد. اگر این پیامدها را می‌دانست قسمت اول سوره اتفاق نمی‌افتاد.

پس سوره دو قسمت است؛

قسمت اول: بیان آسیب اجتماعی و ریشه‌های آن

قسمت دوم: بیان پیامدهای آسیب

دلیل مطرح کردن سیر سوره به این خاطر است که با توجه به سوره همزه می‌توان گفت جزایی که خدا در جهنم می‌دهد همان صورت باطنی و ملکوتی عمل در دنیاست و تحلیل جزا همان ماهیت عمل است. شما با تحلیل جزا تازه چستی عمل را متوجه می‌شوید. آیات جهنم یا بهشت صورت باطنی یک عمل را نشان می‌دهند. در کتاب «افسردگی از منظر قرآن» به این صورت ویژگی‌های افسردگی را از سوره‌های مختلف استخراج شده است.

همه فکر می‌کنند که باید از این دنیا بروند و قیامت بشود و آتشی اقامه شود و بسوزند. ظاهراً این طور نیست و همین الان آتش اقامه شده است.

«نارالله الموقده اللتی تطلع علی الافئده» اثبات می‌کند که جزا همان صورت ملکوتی عمل است.

واژه و آیه در بستری قرار دارد که از آن بستر کسب خاصیت می‌کند. «یحسب ان ماله اخلده» یعنی فکر می‌کند که مال او را خالد می‌کند. خلود توسط مال در دنیا اتفاق می‌افتد. خلود به معنای جاودانگی است. در دنیا که جاودانگی نیست. معنی خلود جاودانگی است ولی بستر دنیا بر این خلود تاثیر می‌گذارد و انواع خلود را ایجاد می‌کند. در روش‌شناسی این کار را بررسی واژه در بستر می‌نامند. مفهوم جاودانگی در دنیا نسبی می‌شود. این موضوع از این جهت قابل اهمیت است که در این سوره باید واژه‌ها را با در نظر گرفتن بسترها معنا کنیم.

بستر دنیا، حقایق و آخرت در سوره مطرح هستند. وقتی واژه‌ای در بستر حقایق مطرح می‌شود در واقع قوانین و ملکوت شیء را بیان می‌کند. وقتی واژه‌ای در بستر دنیا مطرح شود در واقع نسبی بودن و اشکال مختلف واژه را مطرح می‌کند.

مثلاً همز و لمز در بستر دنیا طیف دارند. آخرت هم محل شهود حقایق است. پس واژه را با بستر سنجید.

آیا مال در قرآن منفی و مذموم است؟ در قرآن در بعضی جاها مال بصورت خنثی آمده است. در این سوره هم «جمع» و «عدد» مال، منفی است نه خود مال.

سیر سوره خیلی مهم است. اگر کسی بخواهد همز و لمز را درمان کند با سیر سوره می تواند پیش برود.
مسیر درمان: اول باید هشدار دهد، بعد معرفی کند، بعد علت را بازگو کند، بعد باطن را نشان دهد. چه برای درمان خود و چه برای درمان دیگران.

خطبه‌های نهج البلاغه بعد از پذیرش حکمیت در این راستاست. بعد از حکمیت حضرت امیر(علیه السلام) را همز و لمز می کنند. اصل خطبه‌ها در الغارات است و در نهج البلاغه هم آمده است. نوع برخورد با همز و لمز اجتماعی در این خطبه‌ها کاملاً مشخص است.

ویل هشدار است و صورت ملکوتی عمل است. معرفی عمل و پیامدها را می گوید. ویل همان تبعات است و سر و ته سوره در واقع یکی است. مهم‌ترین کلمه سوره ویل است. ویل در واقع همان حطمه است که باطن عمل است.
قالب بیانی سوره تهدید است و بخشی هم جدل است.

واژه‌ها:

همز و لمز: جلسه قبل گفته شد. کلمات قسمت اول سوره و قسمت دوم سوره بسیار به هم مرتبط هستند.

جمع: انضمام شی الی آخر. چیزی را با چیزی ضمیمه کردن.

مال: مال از ریشه میل است. آقای مصطفوی مطلق مایملک را می گویند. به نظر می‌رسد با میل خیلی مرتبط است. در فقه، چیزی ملکیت داشته باشد ولی به جهت مالی مطرح نباشد. مال چیزی است که بتوان قیمت گذاری کرد. پس دقیق‌تر این است که بگوییم، مال آن چیزی است که تشخیص پیدا می کند برای رغبت یافتن. در کشورهای مختلف تکنولوژی را صادر می کنند. تکنولوژی علم است ولی شائیت مال دارد. مال در داد و ستد باید قابل معاوضه باشد. ملک اعم از مال است.

عدد: هو الاحصاء مع الجمع. بحث شمارش خیلی جالب است. یکی از اشکالات کار ما این است که توان‌هایمان احصاء نمی‌شود. سرمایه‌های خدادادی در کشورمان را احصاء نمی‌کنیم. در ماه گذشته چند لیتر آب مصرف کرده‌اید؟ هیچ‌کس نمی‌داند. در اکثر موارد ما توجهی به احصاء کردن نداریم. برای وقتمان، برای عمرمان و غیره. پول قبض آب و برق و ... برای پدرها معدود است. عدد یکی از مهمترین مباحث در علم است. هر چه به عدد در نیاید به علم تبدیل نمی‌شود. نعمت تا احصاء نشود شکر نمی‌شود. معدود ویژگی معلوم است. معدود علم ایجاد می‌کند. «عدد» برای «جمع» ارزش می‌گذارد. جمع مال برای خلود اشتباه است. جمع و شمارش مال به تنهایی مذموم نیست.

یکی از لطمه‌هایی که به قرآن خواندن ما زده‌اند این است که قرآن‌هایمان را به خط عثمان طه چاپ کرده‌اند و بحث دوم بحث علائم است. وقف و وصل در قرآن شیعه و عثمان طه متفاوت است. علائم قرآن برای ما معنا ندارند. البته تا قرآن‌ها به خط عثمان طه است همان بهتر که به علائم توجه نکنیم. علائم کنونی براساس معارف اهل تسنن است. بناست قرآنی تا اول مهر چاپ شود که براساس وقف‌های شیعه است. ما باید یاد بگیریم که قرآن را با علائم بخوانیم.

حسب: اشراف پیدا کردن به قصد علم جزئی. حساب و عدد با هم مرتبطند. حساب به خودی خود بد نیست. یکی از نام‌های قیامت، یوم الحساب است. حسب علمی است که قصد اختبارش آن را از سایر اقسام علم جدا می‌کند. قصد حساب در خوب و بدش تأثیر دارد. حساب اگر در بستر دنیا باشد، چون دنیا متغیر است پس معنای حساب می‌شود گمانه زنی. یقینی در آن وجود ندارد بلکه پنداری غلط است.

تدبیر خوب است ولی در جایی تبدیل به مکر می‌شود. حساب هم همین‌طور است. اکثر واژه‌ها همین‌طورند که بینابین هستند. بعضی واژه‌ها هم مثبت کامل و بعضی واژه‌ها هم منفی کامل هستند.

خلود: دوام کل شی بحسبه. خلود هم ظرفی دارد. ماندگار است. مثل عمر است. اگر کسی دو روز عمرش یکسان باشد نشان‌دهنده این است که برای خودش بقا قائل شده است. اگر هم کسی کاری را به فردا بیندازد، برای خودش بقا و خلود قائل شده است.

این جلسه، جلسه تخصصی است. افرادی که از مقدمات تا تدبیر روایی را خوانده‌اند، در این جلسه حضور دارند. بحث‌های روش‌شناسی، سیر و ... گفته می‌شود. بعضی دوستان این کلاس را به افراد مبتدی معرفی می‌کنند. در حالی که این جلسه تخصصی است. در انتخاب نوع کلاس یک مقدار بیشتر دقت کنید. کسانی که با مطالعه سر کلاس می‌آیند حق دارند که بتوانند استفاده کنند.

نبد: انداختن چیزی که به آن احتیاجی نداری، به معنی اهانت نیست بلکه به معنای ناکارآمدی است.

حطم: شکستن هیئت چیزی. صیغه مبالغه است مثل همزه. در صیغه مبالغه شدت در کارکرد بوجود می‌آید.

نار: از نور است، منتها در نار حرارت مهم است.

وقد: سوختن در نار. ماده اشتعال یا آتش را وقد می‌گویند. توقد می‌تواند مادی یا غیر مادی باشد.

طلع: به معنی مطالعه، اطلاع و اشراف. علو و ظهور علی شیء.

«نار الله الموقوده» جایی که ذغال همان آتش شده است.

فؤاد: قلب با داد و ستد زیاد. قلبی که زیادی قلب باشد را فؤاد گویند.

وصد: انضمام چیزی به چیزی و راه دررو نداشتن.

«کلبهم باسط ذراعیه بالوصید»؛ **وصید** همان محل غار بوده که متصل به غار بوده است. جدا از غار بوده ولی خارج

از غار هم نبوده است. چیزی از بیرون ملحق شده و یکی شده است.

عمد: تمایل به رکون. اعتماد هم یعنی تکیه کردن به چیزی. عمد یعنی ستون‌ها.

مد: بسط فی خارج فی جهت او جمیع جهات. هر یک از عمودها کشیده شده‌اند به خارج.

مال، ماده اشتعال نار است. مال، وقد است.

کلمات مرتبط:

- جمع و وصد
- نار و مال
- حسب و طلع
- نبذ و حطم
- مدّ و خلود
- ویل و نبذ

اگر این ارتباطها با حوصله بررسی شود به این نتیجه می‌رسد که آنچه در دنیا انجام شده همان جزای آخرت است. چنین انسانی در حال سوختن است و اساس این آتش در قلبش است و او را از کارآمدی ساقط کرده است.

فؤاد؛ ریشه مشترک دو دسته کلمه است. فؤاد نفس یا زمین یا ظرف همزه و لمزه و ظرف عذاب است.

برای اصلاح همز و لمز باید باورهای درونی درست شود. اگر باورها درست شوند، نسبت انسان با مال درست می‌شود و دست از همز و لمز برداشته می‌شود. اگر کسی دست از همز و لمز بردارد نسبتش با مال درست شده است و قلبش سلیم شده است.

پس سوره دو شیوه تربیتی دارد: شیوه اول: از باور تا رفتار. شیوه دوم: از رفتار تا باور.

از رفتار تا باور برای هفت سال اول تا بلوغ است. تا حدود ۱۸ سالگی. از باور تا رفتار برای ۱۸ سالگی به بعد است.

در دوران طفولیت انسان رفتاری به باوری است و بعد از آن باوری به رفتاری است.

برای طفل نمی‌شود از باور صحبت کرد، بلکه باید رفتارش را درست کرد تا باورش درست شود. برای بزرگسالان باید باورش را درست کرد تا رفتارش را اصلاح کند.

اگر بنا باشد جهنم وجود کسی، تبدیل به بهشت شود دو مسیر وجود دارد.

مسیر اول: ترک همز و لمز، آن‌گاه اصلاح دیدگاه نسبت به مال و خلود

مسیر دوم: اصلاح دیدگاه نسبت به مال و خلود و ترک همز و لمز.

این مسیرها دو شیوه‌ی کاربردی از سوره می‌باشد.

ریشه همز و لمز، دیدگاه فرد نسبت به مال و خلود است. یک طفل نه از مال چیزی می‌داند و نه از خلود و همز و لمز. به بچه یاد می‌دهید پولش را در قلک و بانک نگهداری و جمع کند. به بچه یاد می‌دهید که مال او را خالد می‌کند.

رابطه بین همز و لمز و جمع مال و پنداشت خلود چیست؟ پنداشتن خلود علت برای جمع مال است و جمع مال عامل همز و لمز است.

در این مرحله باید مصادیق جمع مال و خلود را پیدا کنیم تا در مرحله بعد بتوانیم مصادیق همز و لمز را بیابیم.

اگر کسی در جمع ما باشد و بعد از ۴ ساعت بحث مصداق‌ها را متوجه نشده باشد، باید موقتا همز و لمز را کنار بگذارد تا بعد بصورت ریشه‌ای درمان شود. این درمان از طریق عمل است.

اگر کسی بوسیله قرائت سوره همزه، به شدت و پیوستگی عذاب برسد و از آن بترسد لازم است از هرگونه قرار گرفتن در معرض همز و لمز فرار کند.

هر کس از همز و لمز دور شود، به برکت اصلاح همز و لمز، باورهای درونی هم اصلاح می‌شود. این کار جالبی است. با اصلاح رفتار، دیدگاه انسان اصلاح می‌شود. همز و لمز به معنای ناکارآمد دانستن توان دیگران است. ناکارآمدی را از معنای نبذ گرفته شد. همز و لمز به معنی برخورد با دیگران به نحوی که توان‌ها و استعدادها طبیعی آن‌ها را نادیده گرفته و موجب ازاله و اضمحلال توان‌ها شود. این تعریف از معنای حطمه گرفته شد.

همز و لمز، علو و اشرافی است که بر دیگری می‌پندارد. ناتوانی دیگری که حاصل جهل یا غرور است. سبک زندگی ما هم‌ازانه و لم‌ازانه است از حکومت، آموزش و پرورش تا زندگی فردی و اجتماعی و خانواده.

هر کسی فعلا در اولویت، زندگی شخصی و تعاملاتش با دیگران تفکر را فعال کند. بعضی‌ها استعداد کش هستند. اجازه رشد به همسر و بچه‌اش نمی‌دهد.

اگر پیامبر (صلی‌الله‌علیه) وارد جمعی شوند و طوری برخورد کند که مسیر کمال را فقط برای خودش بداند، دچار همز و لمز شده است. تحقیر آدم‌ها همز و لمز است. همز و لمز ساختاری این است که شما کلاسی تشکیل دهید که به صورت طبیعی انسان ضعیف در آن کلاس جا بماند و رشدش متوقف شود. ما برای همز و لمز تعلیم دیده‌ایم. باید دست برداریم تا باورهایمان درست شود.

برای درمان همز و لمز:

اطرافیان خود را احصاء و شمارش کنیم. (عدد)

به تعاملات خود با اطرافیان اشراف داشته باشید. (تطلع)

از رفتارهای شکننده و تحقیرکننده اطرافیان دست بردارید. (همز و لمز)

اگر کسی چنین کرد در قلبش نور سوره همزه تابیده می‌شود و در مسیر مخالف همز و لمز توان پیدا می‌کند. از حزب شیطان خارج می‌شوید. در همز و لمز شکستن طرف مقابل ملاک است.

انواع تمایل به جاودانگی که مطرح شود انواع همز و لمز هم مشخص می‌شود. ابتدا باید برای فهم و پذیرش حرف حق کاری کرد.

اگر برآیند صحبت بنده این باشد که آدم‌ها ضعیف هستند، همز و لمز است. ما نسبت به رفتارهایمان با دیگران اطلاع و اشراف نداریم.

موضوعی که جلسه بعد مطرح خواهیم کرد این است که امر به معروف و نهی از منکر دائما موجب فعال شدن تفکر است. تفاوت تعییب و امر به معروف این است که در امر به معروف فرد به فکر فرو می‌رود. در تعییب و همز لمز انسان خرد می‌شود. اگر با یک بد حجاب طوری رفتار کنی که او خود را از مسیر رشد خارج بیند و بشکند همز و لمز کرده‌ای. باید فرد بد حجاب چنین حسی داشته باشد که او هم می‌تواند بهشتی باشد و مانند خواهر توست.

همز و لمز بین جنسیت‌ها و خانواده‌ها مراتب پیدا می‌کند. بعضی از همز و لمزها خطرناکتر است.

شما به هیچ وجه در مقابل فرزندان‌تان حق سرکوب یکدیگر را ندارید. «العلم فی صغر کاللقش فی الحجر»

همز و لمز در کودکان نهادینه شده است.

روایتی هست که کسی ثروتمند بوده و در راه حج بوده است. در مسیر برای خدا گوسفند قربانی و مردم را سیر می‌کرده است. امام ایشان را بازخواست می‌کنند که چرا چنین می‌کردی؟ فکر نکردی شاید از همراهانتان افرادی توانایی چنین قربانی‌هایی را نداشته باشند و این کار تو موجب ذلت مومنین شود. کار خیر هم می‌تواند دیگران را خرد کند.

تقوا خیلی مهم است. گاهی انسان با سکوت دیگران را خرد می‌کند. خیلی خطرناک است.

اصل رهایی از همز و لمز: توان مشاهده دیگران و بودن آن‌ها در زندگی فرد. این بلوغ عاطفی است. یعنی فقط خودم نباشم و بتوانم دیگران را ببینم. بقیه عضوی از زندگی من باشند.

به حرمت این کلاس یک هفته همز و لمز را کنار بگذاریم تا ان شاء الله بصورت ریشه‌ای مداوا شود. جلسه بعد انواع جاودانگی را معرفی می‌کنیم.

توصیه ما این است که به همز و لمزهای دیگران توجه نکنیم. همز و لمز دیگران برای ما ابتلا هستند و ابتلا برای این است که انسان ساخته شود.

فلسفه ابتلا، رشد انسان است. همز و لمز دیگران ابزار تکامل ما هستند. غنیمت هستند. این موضوع در سوره نور مطرح است.

از همز و لمزهای دیگران همز و لمزهای خود را کشف کنیم. از همز و لمز دیگران درمان اجتماعی بیابیم.

در تعاملات با دیگران حواسمان نیست. شکسته شدن افراد در سیستم ما قیمت ندارد و برای همین روابطمان با دیگران بی‌قیمت است. دل دیگران را بدست آوردن برایمان بی‌قیمت است. اولاً برایمان اهمیت ندارد که دیگران را بشکنیم. دوماً از کار اشتباهمان، چشم ترس نمی‌شویم.

قلب مؤمن معادل بیت الله است. لزومی ندارد که با اشتباهات مؤمنین این طور برخورد شود.

کسی که نمی‌شکند، نمی‌شکند. کسی که دیگران را نمی‌شکند خودش نمی‌شکند و کسی که دیگران را می‌شکند خودش می‌شکند. رفاقت و روابط با دیگران بی‌قیمت است. نمی‌توان برای روابط ارزش‌گذاری کرد. رابطه‌ها باید مهم باشند.

از خدا می‌خواهیم که کاستی‌ها را جبران کند، به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات